

تصمیمات دادگاهها

تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در مورد قتل غیر عمدی بواسطه احتیاطی از نظر عدم صدق بی احتیاطی

ماده ۱۷۷ قانون کفر

دادن اتومبیل اطراف وزیر آرا مورد نقض قرار نداده و احتیاط اقتضا داشته نقض مزبور را بعمل آورده باشد و نظر باینکه بر حسب معمول گناه کردن شوهر موقع حرکت دادن اتومبیل نیز آن با احتمال آنکه شاید کسی زیر اتومبیل خوابیده باشد اقدامات احتیاطی برای راندن اتومبیل شمار نمیرود مگر در صورتیکه شوهر بخواهد کسی در زیر اتومبیل مسبق باشد و با اینحال بدون نقض و احراز خارج شدن او از زیر اتومبیل مبادرت براندن نماید که در این صورت میتوان اقدام او را مخالف احتیاط دانست و چون در این قضیه دادگاه صادر کننده حکم بدون احراز وقوع قضیه بکیفیت اخیر متهم را مرتکب بی احتیاطی تشخیص داد و عمل او را باماده استنادی تطبیق کرده و حکم بمعکومیت او صادر نموده لذا از این جهت حکم مورد درخواست مخالف اصول محسوب و بموجب ماده ۴۳۰ قانون اصول محاکمات جزائی بانقض آراء نقض میشود ۲۰۰

شوفری بیزه نقل غیر عمدی شاگرد خود بدین نحو (شاگرد مزبور زیر اتومبیل خوابیده بوده هر چه شوهر او را صدا میزد جواب نمیدهد شوهر هم ماشین را حرکت داده و شاگردش مجروح و میمیرد) مورد تعقیب دادسرا واقع و دادگاه جنحه با احراز عمل بی مبالائی طبق ماده ۱۷۷ قانون کفر او را بیکسال حبس تأدیبی محکوم می کند - بر اثر پژوهش خواهی متهم دادگاه استان رعایت تخفیف را لازم دیده و دادنامه را گسیخته و بارعایت ماده ۴۵ قانون مزبور بکش ماه حبس تأدیبی محکوم میشود - محکوم علیه فرجام خواسته - شعبه (۲) دیوان کشور در دادنامه شماره ۹۵۹ بتاريخ ۲۷ ر ۴۱۸ چنین رأی داده است :

نظر باینکه بر حسب ظواهر مفاد حکم صادر از دادگاه بدوی و حکم دادگاه استان در تأیید آن تشخیص بی احتیاطی متهم در راندن اتومبیل مستند است باینکه موقع حرکت

تصمیم دیوان کشور بر استوار کردن

در مورد پروانه حمل سلاح بنام مخدوم که خادم حق حمل آرا نداشته

ماده ۴۳ قانون قاچاق

محکوم علیه فرجام خواسته - شعبه (۲) دیوان کشور در دادنامه شماره ۸۶۰ بتاريخ ۱۷ ر ۴۱۸ چنین رأی داده است :
(اعتراض عمده فرجامخواه بر حکم مورد درخواست خلاصه اینک - چون سلاح موضوع اتهام دارای اجواز

کسی بیزه قاچاق تفنگ مورد تعقیب دادسرای شهرستان واقع شده و طبق ماده ۴۳ قانون قاچاق بیکسال حبس تأدیبی محکوم میشود - بر اثر پژوهش خواهی محکوم علیه دادگاه استان عمل را ثبت دانسته ولی مدت حبس را زیاد دیده و با گسیختن دادنامه متهم را سه ماه حبس تأدیبی محکوم می کند

قانونی بوده که مخدوم اواز مقامات مربوطه تحصیل کرده محکومیت او بعنوان حمل و استعمال سلاح بدون مجوز مخالف قانون میباشد) وارد نیست چه اجازه حمل سلاح و استعمال آن حق شخصی محسوب و مخصوص کسی است که

اجازه بنام او صادر شده باشد و در این مورد بر فرض صدور پروانه برای مخدوم متهم مشارالیه حق حمل و استعمال آنرا نداشته است و چون از جهت رعایت اصول و قانون اشکال موجب نقض نظر نمیرسد حکم فرجام خواسته بانفاق آراء ابرام میشود)

تصمیم دیوان کشور

راجع باختلاف در صلاحیت میان بازپرس های دو محل در مورد بزه خروج از مرز بدون گذرنامه

ماده ۵۴ آئین دادرسی کفری

کسی با اتهام خروج از مرز و برگشتن بدون گذرنامه مورد تعقیب واقع شده و بازپرس خرمشهر با موافقت دادستان باستناد اظهار متهم که در ۲۵ سالگی باید و مادرش زاده پیشکوه بخارجه رفته اند قرار عدم صلاحیت خود را بعنوان صلاحیت بازپرس عیلام صادر کرده - جانشین بازپرس عیلام با موافقت دادستان کرمانشاه باستناد اینکه متهم دلیل بر صحت اظهار خود اقامه نکرده بلکه بارگت او از راه خرمشهر بوده و بزه هم در حوزه قضائی خرمشهر کشف شده قرار عدم

صلاحیت صادر کرده و پرونده برای حل اختلاف دیوان کشور فرستاده شده - شعبه [۵] دیوان کشور در دادنامه شماره ۳۷۵ بتاریخ ۱۲/۶/۱۸ چنین رأی داده است: (نظر اینکه موافق محتویات پرونده کشف جرم در حوزه خرمشهر بعمل آمده و هنوز محل وقوع جرم نامسکون و محل اقامت متهم معلوم شده است رفع اختلاف با تصدیق صلاحیت بازپرس خرم شهر بعمل میآید)

تصمیم دیوان کشور بر استوار کردن

در موردی که دادگاه جنائی بر اثر درخواست وکیل متهم پیش از مهلت قانونی جلسه مقدماتی را تشکیل داده

ماده ۲ قانون دادرسی جنائی مصوب ۱۳۰۹

دو نفر بزه شرکت در قتل کسی مورد تعقیب دادسرا واقع شده و پس از صدور قرار مجرمیت آنها ادعای نامه بدادگاه جنائی فرستاده میشود - دادگاه نامبرده پس از رسیدگی هر کدام را بحسب با اعمای شافه محکوم مینماید - دادستان استان (بعنوان اینکه تشکیل جلسه مقدماتی قانونی نبوده) و متهم - آن از جهت محکومیت خردشان فرجام خواسته اند - شعبه (۲) - دیوان کشور در دادنامه شماره ۱۳۵۲ بتاریخ ۱۸/۶/۱۸ چنین رأی داده است:

وکیل نموده و در روز برای مراجعه پیرونده مهلت بوده و مهلت مزبور در ۲۱ ماه مزبور منقضی میشود - معهذ دادگاه در ۱۹ آبان که قبل از انقضای مهلت بوده جلسه مقدماتی را تشکیل و رسیدگی کرده این عمل برخلاف دستور مقرر در ماده ۲ قانون دادرسی جنائی بوده است) و این اعتراض موجب نقض حکم مورد درخواست نیست زیرا بر طبق حکایت برکهای صورت مجلس پس از آنکه دادگاه برای متهمان تعیین وکیل نموده و مقرر داشته که در ظرف ده روز پیرونده مراجعه و هرگونه ایرادی دارند اظهار نمایند و نفر وکلای آنان در ساله ۱۵ و ۱۶ آبان بدون بدان ایرادی نقضای تعیین جلسه رسیدگی نموده اند و دادگاه در ۱۹ ماه مزبور

(اعتراض دادستان استان بر حکم مورد درخواست رسیدگی فرجامی خلاصه و بالنتیجه آنستکه) دادگاه صادر کننده حکم در ساله ۱۰ و ۱۸ برای متهمان تعیین

رسیدگی تقدیماتی بعمل آورده فراری مبنی بر کامل بودن پرونده برای رسیدگی در جلسه علنی صادر جلسه مقرر رسیدگی بعمل آورده و حکم مورد درخواست فرجامی صادر کرده

و این کیفیت و جریان مخصوص که بالاخره هم در دادگاه از هیچ طرف اعتراض و ایراد بعمل نیامده جریان مذکور را نمیتوان از تخلفات اصولی مؤثر در نقض دانست . . .)

تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در موردیکه دادگاه استان پس از کسبختن دادنامه نخستین رسیدگی مجدد را بدادگاه

جنبه رجوع کرده

ماده ۳۵۹ آیین دادرسی کفای

• اعاده پرونده پس از فسخ حکم بدادگاه بدوی برای رسیدگی مجدد که در حقیقت متضمن قرار عدم صلاحیت خود دادگاه استان است قانونی نیست چه آنکه دادگاه استان موافق ماده ۳۵۹ قانون اصول محاکمات جزائی پس از باطل نمودن حکم پژوهش خواسته خود مکلف به رسیدگی می باشد بنابراین مذکور قرار فرجام خواسته بر طرفی اده ۴۳۰ قانون اول محاکمات جزائی با تفاق آراء نکته می شود . . .

کسی بزه قاچاق مورد تعقیب واقع شده و در اثر تقدیم دادخواست برائت بدادگاه جنبه دادنامه بر برائت او صادر میشود. اداره دارائی محل درخواست رسیدگی پژوهش نشده و دادگاه استان دادنامه را کسبخته و رسیدگی مجدد همان دادگاه جنبه رجوع میشود. دادستان استان [زاحظ عدم جواز احاله رسیدگی بدادگاه جنبه] فرجام خواسته و شعب (۵) دیوان کشور پس از رسیدگی در دادنامه شماره ۱۳۹۵ بتاريخ ۱۸/۶/۲۵ چنین رأی داده است:

تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در موردی که دادگاه مقدار کبفر را صریحاً معین نکرده

۱۸۶۶ چنین رأی داده است :
• مقدار مجزات هر يك از آن دو نفر صریحاً معین نشده است و لف و نشر مرتب هم اگر منظور دادگاه بوده نمیتوان جنبه نصریحی بآن داد و در هر صورت تعیین مجزات بر ترتیب مزبور برخلاف اصول در احکام جزائی است . . .

دو نفر با اتهام اینکه در نتیجه نزاع یادگیری ضربانی به او وارد آورده و در اثر آن فوت شده است مورد تعقیب واقع و در دادگاه جنائی بنحو زیر محکوم میشوند : (آن دو نفر با استناد ماده ۱۷۵ مکرر قانون کبفر هر يك سه سال و نیم و سه سال حبس با اعمال ناقه محکومند) - تمهید فرجام خواسته و شعبه (۵) دیوان کشور در دادنامه شماره ۱۴۰۶ بتاريخ ۲۱